

گردشگران عصر صفوی

قسمت اول

گروه پژوهشی «صاعقه»

معماری، کنترل و اقامت

هر مسافر (تاجر)، در کاروان‌سرا در حجره‌ای قرار می‌گیرد که قادر است، از پنجره آن، تمامی محوطه حیاط کاروان‌سرا را زیر نظر داشته باشد. کالاهایش در انباری که منفذی به جز در ورودی ندارد، بر روی هم قرار داده می‌شوند. وی می‌تواند در همان حجره خود، مدام این در را زیر نظر داشته باشد. محل خادمان این محموله‌ها، درست در زیر همان حجره که هم سطح محوطه کاروان‌سرا است قرار دارد. حتی محل نگهداری و خدمات به ستوران نیز در زیر دید صاحب آن است و او می‌تواند با یک نگاه متوجه شود که خدمات لازم به آنها داده می‌شود، یا خیر. هر مسافری به تناسب وضعیت مالی خود، می‌تواند وسایلی همراه خود به این حجره‌ها بیاورد. به طبع برای آنها در داخل حجره‌ها مکان‌هایی تعبیه شده بود.

خدمات گسترده

معمولاً حجره‌هایی که در اختیار مسافران قرار داده می‌شد، خالی از هر گونه وسیله بودند. مسافر می‌توانست که خود وسایل خواب و ظروف خوراک خود را همراه داشته باشد و از سرایدار کاروان‌سرا و یا دهقانان دهکده‌های مجاور، مواد اولیه خوراکی را تأمین کند. این مواد شامل انواع گوشت، شیر، لبنیات، روغن و انواع میوه‌جات متناسب با فصل بودند که با قیمتی ارزان تأمین می‌شدند. در مناطق بین شهری، بابت سکونت موقت در این کاروان‌سراها، رقمی دریافت نمی‌شد، اما در شهرها وضع تغییر می‌کرد و مسافران باید رقمی، بابت اجاره‌بها پرداخت می‌کردند که البته میزان آن بسیار اندک بود.

روش‌ها و مدیریت

به محض آن که کاروان وارد کاروان‌سرا می‌شد، فعالیت‌های خدماتی نیز آغاز می‌شد. هر کس اعم از آن که فقیر یا ثروتمند باشد، می‌توانست حجره‌ای برای خود تدارک کند. در این گونه مکان‌ها کس به درجه ثروت، نفوذ و قدرت کسی توجه نمی‌کرد و خدمات به هر کس که نیاز داشت، ارائه می‌شد. در گوشه‌ای، افرادی بودند که با کارمزدی اندک، نیازهای کاروانیان به مواد خوراکی و دیگر موارد را تأمین می‌کردند. گروهی از کارگران، در حال خالی کردن بارها و پر کردن انبارهای خاصی بودند که برای این کار اختصاص یافته بودند. گروهی دیگر از کارگران اسب‌ها، قاطرها و دیگر ستوران را به طولی‌ها می‌بردند. اسباب استراحت و علوفه آن‌ها را فراهم می‌کردند. تا هنگام شب این جریان ادامه داشت و با فرا رسیدن شب، سرایدار کاروان‌سرا در را می‌بست و نگهبان را کنترل می‌کرد که غایب نباشند و آماده فعالیت شبانه شوند. وی مسئول مجموعه کاروان‌سرا تلقی می‌شد.

شاردن، سپس مقایسه‌ای میان کاروان‌سراها با مسافرخانه‌های فرانسه می‌کند و می‌نویسد:

«... اگر کاروان‌سراها ایران، مانند مسافرخانه‌های ما برای توان‌گران راحت نیست، ولی برای بینوایان راحت‌تر از آن‌ها است و کسی از پذیرفتن آن‌ها روی بر نمی‌تابد و آنان را به خوردن و نوشیدن پیش از آن که میل دارند وادار نمی‌کند. هر کس مجاز است، مخارج خود را درخور استطاعت خود تنظیم کند.»

آب و هوا

از نظر مسافری چون شاردن و دیگر خارجی‌ان، به ویژه اروپایی‌ها، یکی از جاذبه‌های مهم، «آب و هوای» ایران است. شاردن می‌گوید:

«هوای ایران لطف و جمالی دارد که هرگز از خاطر نمی‌رود. شاید بتوان گفت که آسمان رفیع ایران، برتر از آسمان گرفته و ابرآلود اروپای ماست و رنگی دیگر دارد. در چنین کشوری حسن و جمال هوا، بر سراسر طبیعت و محصولات آن و بر آفریده‌های هنر دست فروغی، استحکام و دوامی بی‌نظیری پیدا می‌کند. آرامش و صفایی که این هوا به مزاج و سرشت آدمی و حالات روحی وی می‌بخشد، خود جای دیگر دارد.»

از نظر گردشگران آن زمان این آب و هوای منور و شفاف بر روی فرهنگ ایرانیان و حتی در نحوه معاشرت ایرانیان، با مسافران خارجی تأثیرگذار بوده است.

«سیور میسل» که در حدود اوایل قرن هجده از ایران دیدن کرده می‌نویسد:

«شاید آدمی در جمع این همه مردمانی که از هیچ نکته در باب ادب و عظمت مقام بی‌خبر نیستند، خود را در فرانسه می‌پندارد، ایرانیان با میهمان‌نوازی آمیخته با





ظرافت و صفا از خارجیان استقبال می‌کنند.»

شاردن از میهمان‌نوازی ایرانیان اظهار تعجب می‌کند و نمونه‌هایی را هم در نوشته‌های خود آورده است.

«چیزی که در شیوه زندگی ایرانیان، گذشته از قناعت آنان، مرا سخت به اعجاب وامی‌دارد، میهمان‌نوازی آنها است. وقتی ایرانیان سفره غذا را می‌گسترانند، نه تنها درها را نمی‌بندند، بلکه هر کس را که در آن جا باشد و یا فرا می‌رسد و اغلب غلامانی که اسب را بر در نگاه می‌دارند، بر سفره می‌خوانند. هر عده هنگام ناهار یا شام بر سر سفره باشند، برای کسی رنجی ندارد. ایرانیان در ستایش میهمان‌نوازی می‌گویند: حضرت ابراهیم هرگز بدون حضور میهمان دست به غذا نمی‌برد.»

نقش مقامات حکومتی در جذب گردشگر

یکی از ویژگی‌های جالب در دوره صفویه آن بود که حکمرانان منطقه‌ای، خود را موظف می‌دانستند، اسباب پذیرایی و میهمان‌نوازی را برای خارجیان فراهم آورند. اگر حاکم ولایتی از عبور اروپاییان در حیطه قدرت خود با خبر می‌شد، به سرعت رییس تشریفات خود را می‌فرستاد، تا به این گروه خیر مقدم بگوید و آنان را به شام با حاکم، دعوت کند. به طبع در این شرایط، این بازدیدکنندگان نیز سوغاتی‌هایی از منطقه خود، برای حاکم هدیه می‌آوردند. اما ارزش این سوغاتی‌ها تأثیر در میهمان‌نوازی حاکم نداشت و وی کماکان شوق و ذوق خود را در این کار نشان می‌داد. جالب آن که اشیاء نادر و شگفتانگیز، بیشتر از اشیاء قیمتی، آنها را به خود جذب می‌کرد.

پذیرایی از سفرا و هدایای شاهانه

در شانزدهم اوت ۱۶۳۷ فرستادگان «دوک هولشتاین» به حضور شاه صفی، رسیدند. مراسم این دیدار، در حد اعلای شکوه و نظم برگزار شد. در این جلسه و روز بعد هدایای میان طرفین رد و بدل شد که بد نیست با آنها آشنا شوید. در

جدول زیر این دو گروه از هدایا را آورده‌ایم.

هدایای دولت هولشتاین و سفیرانش

- ۱- تفنگ آبنوسی که چخماق آن، تنها با فرودآوردن بسته می‌شود.
- ۲- جام بلورین طلا نشان، مرصع به یاقوت و فیروزه.
- ۳- یک درج عنبر.
- ۴- ساعت کوچک دیواری شماطه‌دار.
- ۵- شمعدان سی شاخه مسین طلا کاری شده.
- ۶- ساعت زنگ‌دار.
- ۷- یک جفت تپانچه مطلا با غلاف زیبا .
- ۸- ساعت شنی .
- ۹- ساعت جیبی با قوطی زبرجدی .
- ۱۰- نشان مرصع به دانه‌های الماس و یاقوت.
- ۱۱- حواله دو توپ که تنها توانسته بودند تا اردبیل حمل کنند.

هدایای شاه صفی

- ۱- اسب با زین و لگام طلایی.
- ۲- دو نیم تنه ایرانی با سندیل طلا و میان بند و عمامه و کمر بند.
- ۳- دو بیست و پنج قواره پارچه ابریشمی.
- ۴- حریر
- ۵- انواع بافته مخلوط با پنبه و دو بیست تومان پول نقره که معادل سیصد و هفتاد پیاستر بود.
- ۶- برای هر یک از پنج شخصیت اول این گروه یک نیم تنه ابریشمی، یک نیم تنه گلابتون دوزی.
- ۷- علاوه بر آن شاه صفی به سفیر خود دستور داده بود در هنگام برخورد با دوک هولشتاین هدایایی با ارزش ۲۵ هزار سکه طلا ارائه کند.